

Absolute, the

مطلق

The expression 'the Absolute' stands for that (supposed) unconditioned reality which is either the spiritual ground of all being or the whole of things considered as a spiritual unity. This use derives especially from F.W.J. Schelling and G.W.F. Hegel, prefigured by J.G. Fichte's talk of an absolute self which lives its life through all finite persons. In English-language philosophy it is associated with the monistic idealism of such thinkers as F.H. Bradley and Josiah Royce, the first distinguishing the Absolute from God, the second identifying them.

عبارت 'مطلق' اشاره به آن واقعیت (مفروض) نا مشروطی دارد که یا مبنای غیر مادی همه چیزها است یا کلیت چیزهایی است که به عنوان یک وحدت غیر مادی لحاظ می شود. این کار برد متعلق به هگل و شلینگ و قبل از آن مسبوق به فیخته است و از خود مطلق او که در خلال همه اشخاص متناهی می زید بر گرفته شده است.

در فلسفه انگلیسی زبان این مفهوم با ایده آلیسم یگانه انگارانه متفکرانی چون اف. اچ. برادلی و جوسیا رویس در ارتباط است، اولی (برادلی) بین **مطلق** و خدا تمیز می دهد و دومی (رویس) آنها را شناسایی می کند

Idealism

Idealism is now usually understood in philosophy as the view that mind is the most basic reality and that the physical world exists only as an appearance to or expression of mind, or as somehow mental in its inner essence.

ایده آلیسم اکنون معمولاً در فلسفه به صورت این دیدگاه فهمیده می شود که ذهن پایه ای ترین واقعیت است و اینکه جهان فیزیکی صرفاً به صورت یک نمود برای ذهن یا بیان ذهن یا چیزی در نهاد خودش ذهنی وجود دارد.

However, a philosophy which makes the physical world dependent upon mind is usually also called idealist even if it postulates some further hidden, more basic reality behind the mental and physical scenes (for example, Kant's things-in-themselves).

با این حال فلسفه ای که جهان فیزیکی را وابسته به ذهن می کند حتی اگر واقعیت پنهان اساسی تری را و رای حواس ذهنی و فیزیکی مفروض بگیرد (مانند چیز فی نفسه کانت) باز فلسفه ای ایده آلیستی خوانده می شود.

There is also a certain tendency to restrict the term 'idealism' to systems for which what is basic is mind of a somewhat lofty nature, so that 'spiritual values' are the ultimate shapers of reality.

به علاوه تمایلی در میان است که عبارت "ایده آلیسم" را به سیستمهایی محدود کند که در آنها آنچه اساسی و پایه است ذهن چیزی با سرشتی متعالی است به نحوی که "ارزشهای معنوی" شکل دهنده نهایی واقعیت می باشند.

(An older and broader use counts as idealist any view for which the physical world is somehow unreal compared with some more ultimate, not necessarily mental, reality conceived as the source of value, for example Platonic forms.)

(در یک استفاده قدیمی تر و گسترده تر هر دیدگاهی که جهان فیزیکی را در مقایسه با واقعیتی نهاییتر و نه الزاما ذهنی که منشأ ارزش لحاظ می شود، مثلا مثل افلاطونی، نا واقعی بداند، ایده آلیستی شمرده می شود.)

The founding fathers of idealism in Western thought are Berkeley (theistic idealism), Kant (transcendental idealism) and Hegel (absolute idealism).

بارکلی (ایده آلیسم خدا باورانه)، کانت (ایده آلیسم استعلایی) و هگل (ایده آلیسم مطلق) آباء ایده آلیسم در تفکر غربی هستند.

Although the precise sense in which Hegel was an idealist is problematic, his influence on subsequent absolute or monistic idealism was enormous.

هر چند اینکه دقیقا به چه معنا هگل ایده آلیست بود محل مناقشه است، اما تاثیر او روی ایده آلیسم مطلق یا ایده آلیسم یگانه انگار بعد از خودش بسیار قابل توجه بود.

In the US and the UK idealism, especially of the absolute kind, was the dominating philosophy of the late nineteenth and early twentieth century, receiving its most forceful expression with F.H. Bradley.

ایده آلیسم، علی الخصوص نوع مطلق آن، در آمریکا و بریتانیا در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن نوزده فلسفه غالب بود و مشهورترین توصیف و بیان خودش را در برادلی یافت.

It declined, without dying, under the influence of G.E. Moore and Bertrand Russell, and later of the logical positivists.

ایده آلیسم به خاطر نفوذ جی. ای و مور و برتراند راسل افول کرد اما کاملا از بین نرفت.

Not a few philosophers believe, however, that it has a future.

اکنون تعداد فیلسوفانی که باور دارد این فلسفه آینده دارد کم نیستند.